

مقاله پژوهشی - فصلنامه علمی فصلنامه علمی

سال پانزدهم، شماره ۵۴، بهار ۱۴۰۰

صفحه ۳۴۵ تا ۳۶۵

بررسی تطبیقی نقش و جایگاه زنان در اندیشه و نهضت امام خمینی و امام

موسی صدر

سیده راضیه موسوی / دانشجوی دکتری علوم سیاسی، گروه علوم سیاسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران

فریدون اکبرزاده / استادیار گروه علوم سیاسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران (نویسنده مسئول)

Drferedoun.akbarzadeh@yahoo.com

حامد محقق نیا / استادیار گروه علوم سیاسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران h.mohagheghnia@iaua.ac.ir

چکیده

زنان مسلمان از یک طرف با رویکردی از جایگاه زن در غرب مواجه هستند که بر مبنای تشابه حقوق زن و مرد بر حضور بی قید و شرط زنان در تمامی عرصه‌ها تأکید می‌ورزد؛ و از طرف دیگر با نگرش تفریطی روبرو می‌باشند که با تکیه بر برخی تفاوت‌های بیولوژیک بین زن و مرد، زن را فرودست مرد می‌داند بر این اساس برای زدودن افراط و تفریط‌های ذکر شده، رویکردی اسلامی و عقلانی با دیدگاهی نوگرایانه و میانه که بر مشارکت زنان در زمینه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی با اعمال برخی محدودیت‌ها تأکید می‌کند پدید آمد. این پژوهش با رویکرد توصیفی و تحلیلی به بررسی آرا و اندیشه‌های دو اندیشمند بزرگ نوگرا و میانه‌رو شیعه، امام خمینی و امام موسی صدر پرداخته و نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که دیدگاه‌های اسلامی و عقلانی آنان بر اساس فقه سیاسی و پویای تشیع دارای تشابهات فراوان و رویکردی بر مبنای تکامل‌گرایی زنان می‌باشد که نگرش‌های پیشین را افراط‌گرا یا تفریط‌گرا دانسته و با موازین شرع و فرهنگ حاکم بر جامعه اسلامی ناسازگار می‌بینند و معتقدند که سعادت جامعه انسانی در پرتو توازن میان زن و مرد و قرار گرفتن هر یک در جایگاه مناسب خود، تأمین می‌شود، نه در تقابلی که سنت‌گرایان گفته‌اند و نه در تشابهی که جهان غرب بر آن تأکید دارد بر اساس این رویکرد که بیانگر نگرش اسلام نسبت به زن است، زنان مانند مردان در عرصه اجتماعی پایگاه و موقعیت مناسب دارند و مسئولیت‌های اجتماعی متعددی به‌طور یکسان متوجه زن و مرد می‌باشد.

کلیدواژه: امام خمینی، امام موسی صدر، زن، اسلام، انقلاب اسلامی

تاریخ تأیید ۱۳۹۹/۱۲/۲

تاریخ دریافت ۱۳۹۹/۰۵/۲۳

۱- مقدمه

حیات فردی و اجتماعی جامعه ایران تا پیش از آشنایی جدی با تمدن مدرن غربی، بر اساس قواعد سنتی سامان می‌یافت که به‌عنوان ذخیره دانش متراکم نیاکان (فیرحی، ۱۳۷۸: ۳۸) به شکل آداب، رسوم و اغلب در آمیخته با باورهای مذهبی استمرار یافته و اموری محترم، مقدس و باثبات محسوب می‌شد (گولد و کولب، ۱۳۷۸: ۵۲۰). و به‌عنوان گفتمان مسلط، مبنای تعلیم و تربیت عمومی، روابط اجتماعی و ضمانت سلامت جامعه به‌حساب می‌آمد و در همه حوزه‌های زندگی فردی و اجتماعی بازتولید می‌شد.

محتوای گفتمان سنتی درباره زنان در سه محور اصلی قابل دسته‌بندی است:

زن و وضعیت طبیعی: مباحث مربوط به زنان در حوزه تفکر سنتی حول یک ایده کلی سامان می‌یابد که عبارت است از توجه به وضعیت ساختمان طبیعی (فیزیولوژی) زن در مقابل مرد، به عبارت بهتر تقدم هویت جنسی بر هویت انسانی. در گفتمان سنتی، تفاوت‌های موجود میان وضعیت طبیعی زن و مرد ارتباط مستقیمی با تعیین حقوق و تکالیف هر یک از آن‌ها دارد. چرا که «هیچ منطقی را در این رابطه قوی‌تر از منطق فطرت نمی‌داند» (مصباح، ۱۳۸۹) و بنابراین منطق مرد به لحاظ تفکر، تعقل و قدرت جسمانی برتر و زن به‌واسطه عواطف، ظرافت و زیبایی والاتر است (رازانی، ۱۳۵۰: ۳۵).

زن و خانواده: در گفتمان سنتی ویژگی‌ها و تفاوت‌های جسمانی، روانی و ذهنی زن و مرد، محوری‌ترین مبنای تقسیم‌کار در خانواده است. بر اساس آن سرپرستی و فرماندهی خانواده بر عهده مرد و تسلیم و فرمان‌بری وظیفه اصلی زن محسوب می‌شود.

زن و اجتماع: وضعیت زن در حوزه اجتماعی نیز عمدتاً با تقسیم‌کار مبتنی بر تفاوت‌های جنسی زن و مرد منطبق است چرا که از یکسو زن را مناسب برای انجام امور خانه‌داری و تربیت فرزند معرفی می‌کند و از سوی دیگر به‌واسطه امکان رواج فساد در اجتماع (به دلیل ویژگی تحریک‌کنندگی زن و تحریک‌پذیری مرد) بر عدم حضور اجتماعی زن تأکید می‌شود. احادیثی نیز وجود دارد که با تکیه بر تفاوت‌های طبیعی زن و مرد، صراحتاً زن را از اشتغال در اموری چون امارت و حکومت بر مردم، قضاوت و داوری، دفاع ابتدائی و تهاجمی، اجتهاد برای دیگران و شرکت در شورا منع کرده و عملاً زن را از حوزه مدیریت و تصمیم‌گیری اجتماع کنار می‌گذارد ... (بابازاده، همان: ۳۶۳-۳۶۴ به نقل از وسائل الشیعه: ج ۱۴، ۱۳۱).

یکپارچگی و انسجام بنیادین نظم معنایی این گفتمان تحت تأثیر تولید و انتشار گفتار ناسازگار با اندیشه و تجربه زیسته زن و مرد ایرانی که به دنبال طرح ضرورت‌هایی چون قانون،

پارلمان، آزادی، برابری و... مبتنی بر تفکر مدرن در عصر مشروطه به وجود آمد، به تدریج به چالش کشیده شد. از این رو انقلاب مشروطه، به عنوان نقطه عطفی در تحولات عینی و ذهنی، در تاریخ ایران افقی تازه پیش روی مدلول زنانه/ مردانه گشود؛ هرچند که مواد ۱۰ و ۱۳ قانون اساسی مشروطه، با قرار دادن زنان در رده صغار و مجانین، آن‌ها را از حق انتخاب کردن و انتخاب شدن محروم ساخت (کار، ۱۳۷۹: ۱۰).

اقدامات انجام شده در عصر پهلوی اول و دوم را نیز می‌توان حول سه محور کلی تفکیک نمود: ۱- تشویق به حضور هر چه بیشتر زنان بی حجاب در اجتماع، به عنوان مشخصه مدرن شدن کشور؛ ۲- ایجاد امکاناتی برای تسهیل دسترسی زنان به آموزش جدید با هدف بهبود چشم‌اندازهای تربیتی نسل آینده (آبراهمیان، ۱۳۷۷: ۱۸۰) و ۳- حفظ وضعیت مردسالاری در خانواده و اجتماع (ساناساریان، ۱۳۸۴: ۹۶) که با دو محور قبلی تناقض داشت (پایدار، ۱۹۹۵: ۱۰۴). این اقدامات خود مقدمه‌ای برای قرار گرفتن زن ایرانی در موقعیتی برزخی بود چراکه فرهنگ مردسالار جامعه نه تنها مانعی برای تحقق وضعیت آرمانی زنان محسوب نمی‌شد بلکه چه از نظر رضاشاه (کسروی، ۱۳۵۲: ۱۶) و چه از نظر محمدرضاشاه (فالاحی، ۱۳۷۵: ۱۰) کمال دختر ایرانی در نهایت، در انجام وظایف عرصه خصوصی خلاصه می‌شود؛ یعنی همان چیزی که ذهنیت سنتی جامعه ایران بر آن پا می‌فشرد.

جایی که موضع‌گیری گفتمان مدرنیزاسیون در مواجهه با غرب و فرآورده‌های تمدنی، روشنفکران خارج از ساخت قدرت سیاسی را از نخبگان سیاسی حاکم بر حسب پابندی بر بعد ایجابی یا سلبی مدرنیته از یکدیگر متمایز و گاه معارض یکدیگر می‌ساخت، روحانیت و در رأس آن نهاد مرجعیت به واسطه جایگاه خود در جامعه دین‌داران مهم‌ترین گروهی بود که در معارضه با اقدام حکومت در تقلید از غرب و نادیده گرفتن احکام شرعی، سعی می‌کرد در کلام خود، سوژه زنانه بر ساخته شده در گفتمان پهلوی را از معنای کارگزار ترقی و پیشرفت تهی سازد و از فراز آزادی و برابری دمکراتیک به سمبل فساد و فحشای حکومت فرو اندازد. از سوی دیگر، هم‌زمان با مواجهه جوامع مسلمان با تمدن غرب و ناتوانی گفتمان سنتی در مقابله با آن، مرحله‌ای خاص از فرایند تحول و تطور بازاندیشی دینی پدیدار شده و در جریان شدت گرفتن منازعه دو گفتمان سنتی و مدرنیزاسیون، صورت‌بندی گفتمانی جدیدی با اتکا به داشته‌های خود، معیارها و موازین مذهبی، گزینشی هدفمند و آگاهانه از میان فرآورده‌های تمدنی غرب را سامان می‌داد. در این پژوهش بر اساس نگرش اسلامی و قرآنی مبتنی بر فقه

سیاسی و پویای شیعه امام خمینی و امام موسی صدر سعی شده است نقش اجتماعی، سیاسی و تربیتی زنان در نضج یافتن و استمرار انقلاب اسلامی مورد بررسی قرار گیرد.

۲. مبانی نظری

۲-۱. زن در نگرش اسلامی

در آموزه‌های اسلام، ارزش‌های انسانی که ملاک سنجش انسان‌هاست برای زن و مرد به‌طور یکسان ترسیم شده است. چون خاستگاه ارزش‌ها و فضائل، نفس و روح انسان است نه جسم او و زن و مرد در نفس و روح تفاوت ندارند. «منشأ تفاوت زن و مرد» جسم متفاوت زن و مرد و خصایص و ماهیت جسمی هریک از آن‌هاست؛ امری که با توجه به واقعیت‌نگری قرآن و برای مشکل‌گشایی در آیات قرآن انعکاس پیدا کرده است. اسلام حقوق تکوینی برای زن و مرد قائل نشده است و هرگز امتیاز و ترجیح حقوقی برای مردان نسبت به زنان قائل نیست و اصل مساوات انسان‌ها را درباره زن و مرد رعایت کرده است. اسلام با تساوی حقوق زن و مرد مخالف نیست، با تشابه حقوق آن‌ها مخالف است. زن و مرد به لحاظ تکوینی (یعنی از جهت زیستی، روانی و احساسات) کاملاً از یکدیگر متمایزند. به دلیل همین تفاوت‌های تکوینی، تشابه حقوقی آن‌ها امکان‌پذیر نیست. جنسیت موجب می‌شود که زن و مرد تحت دو صنف از یک نوع واحد قرار گیرند. بنابراین، اختلاف و تمایز میان آن‌ها لازمه صفتشان است و بر این اساس، تفاوت حقوقی میان آن‌ها ضروری است.

بر همین اساس، تکلیف الهی، که شرط آن داشتن آگاهی، قدرت و اختیار است، به همه انسان‌ها تعلق می‌گیرد و به جنس خاصی اختصاص ندارد (طاهری، ۱۳۸۲: ۲۵). بدین ترتیب، در نگرش الهی به زن، ضمن پذیرش تفاوت‌های طبیعی دو جنس، استقرار عدالت و تداوم نظام حیات بشر و تجلی و تبلور گوهر انسانیت در سایه تحقق تکالیف متقابل افراد امکان‌پذیر است (مطهری، ۱۳۸۱: ۱۲۵).

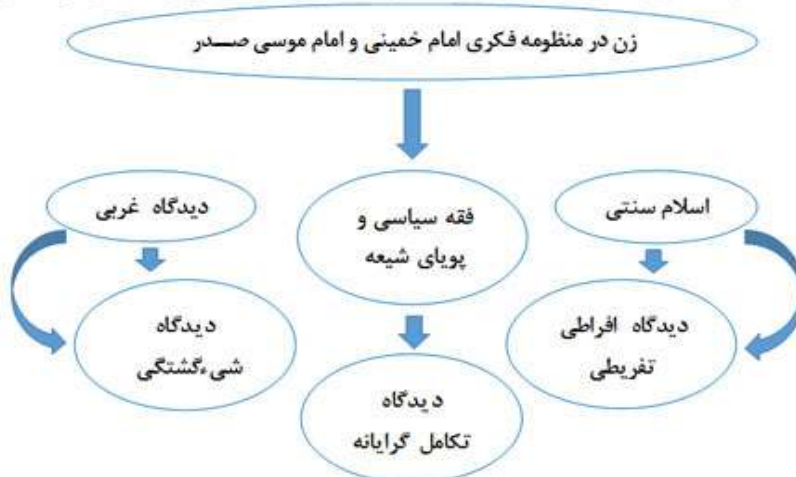
جایگاه زن در جامعه اسلامی، همانند مردان است و در اختصاص امکانات یا فرصت‌های اجتماعی نمی‌توان سهم آنان را در نظر نگرفت. قرآن، همواره جامعه انسانی را مورد خطاب قرار داده و ذکوریت و انوئیت را در مباحث اخلاقی و عرفانی دخالت نمی‌دهد و با عباراتی همچون «یا ایها الذین آمنوا» و «یا ایها الناس» برابری زنان مردان را در راه کمال گوسزد می‌کند. در مکتب اسلام، جنسیت در انسانیت نقشی ندارد؛ چراکه جنس زن و مرد از جسم است و اگر جسم، نقشی در انسانیت انسان داشت -تمام ذات یا جزو ذات بود- می‌شد سخن از مذکر و مؤنث بودن گفت و بحث کرد که آیا این دو صنف متساوی‌اند یا متفاوت؟ ولی اگر حقیقت

هر کس را روح او تشکیل داده و جسم او ابزاری بیش نیست که گاهی مذکر و گاهی مؤنث است (روح، نه مذکر است و نه مؤنث)، پس بحث از تساوی زن و مرد یا تفاوت این دو صنف در مسائل مربوط به حقیقت انسان رخت برمی‌بندد و اگر در جایی سخن از تساوی به میان نیامد، سخن از تفاوت هم پیش نخواهد آمد (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۷۶).

بنابراین ارزش‌ها و کراماتی که قرآن برای انسان برشمرده است، منحصر در جنس مذکر نیست، بلکه مخاطب آن، همه انسان‌ها- زن یا مرد- است؛ آیاتی همانند: «ولقد کرّمنا بنی آدم و حملناهم فی البر والبحر و رزقناهم من الطیبات و فضلناهم علی کثیر ممن خلقنا تفضیلاً» (اسراء، ۷۰). ما آدمی‌زادگان را گرامی داشتیم و آن‌ها را در دریا و خشکی حمل کردیم و انواع روزی‌های پاکیزه به آنان روزی دادیم و آن‌ها را بر بسیاری از موجوداتی که خلق کرده‌ایم، برتری بخشیدیم.

بین نظریه‌های مختلف در باب مسئله زنان، نظر اسلام جامعیت بیشتری دارد و برخلاف دیگر نظریه‌ها، که عموماً در قالب واکنشی به محیط پیرامون و مشکلات موجود زنان شکل گرفته است، نظر اسلام به صورت ایجابی و فارغ از چیستی وضعیت موجود به تبیین دیدگاه خود پیرامون مسئله زن پرداخته است و بین اندیشمندان اسلامی، نظرات امام خمینی و امام موسی صدر به عنوان بنیان‌گذاران یک تحول اجتماعی عظیم در این حوزه مورد توجه است. نگاه ایشان به زن نگاهی دقیق و مورد تأمل است و مبنای این پژوهش پرداختن به آرا و اندیشه‌های ایشان در تبیین جایگاه زنان بر اساس هویت اسلامی و انسانی می‌باشد.

شکل ۱: مدل و الگوی فکری زن در منظومه فکری امام خمینی و امام موسی صدر



۳. امام موسی صدر.

۳-۱. زن در اندیشه و نهضت امام موسی صدر

امام موسی صدر همواره در تلاش بودند تا کرامت انسانی را احیا کرده و مردم را بدین امر متوجه سازند. در انسان‌شناسی ایشان، نخستین گام در راه تربیت و ارتقای انسان در همه ابعاد تکامل، عبارت است از قرار دادن انسان در مسیری که کرامت خویش را درک کند و به همشونه خویشتن خویش اهتمام شایسته ورزد. ایشان معتقد است: در غیر این صورت، چه‌بسا هرگز انسان برای خود همتی نکند و برای اصلاح وضع خویش نکوشد. از نظر امام موسی صدر، تنها آگاهی از کرامت و ارجمندی انسان است که شان و مقام او را تعریف و مشخص و خط‌مشی و اهداف بلند و متعالی انسان را ترسیم می‌کند و دشمنان را می‌شناساند و طریق دفاع در برابر آن‌ها را نشان می‌دهد (صدر، ۱۳۹۱: ۷۱). در اندیشه ایشان، آزار انسان یا هر آنچه کرامت او را خدشه‌دار کند حرام شمرده شده است. در این میان، تفاوتی میان زن و مرد و انسان مسلمان و مسیحی نیست و عدالت و کرامت سهم همگان است (صدر، ۱۳۹۱: ۲۶).

امام موسی صدر، کتاب انسان را، دارای فصول چهارگانه‌ای می‌داند که هر فصل به یکی از ویژگی‌ها انسان مربوط می‌شود:

انسان موجودی است عینی که با موجودات عینی دیگر، از نظر آزادی انتخاب، متفاوت است؛ بدین معنا که رفتار و اعمال او ناشی از تعقل و اراده اوست، گرچه به‌صورت نسبی؛ انسان تا حد زیادی از طبیعت و موجودات اطراف خود متأثر است؛ انسان موجودی است اجتماعی که به میزان بسیار زیادی، به‌طور خودجوش، با هموعان خویش تعامل دارد؛

انسان اساساً مخلوق خداوندی است که آفریننده جهان و هستی است. همین نسبت او با خداوند، خود دارای ابعادی است که بر شخص انسان و همه پیوندهای او تأثیر می‌گذارد. (صدر، ۱۳۸۴: ۱۵۸)

از نظر ایشان، اولین فصل کتاب انسان، آزادی انتخاب اوست؛ امری که موجب تفاوت او با دیگر موجودات عینی شده است. ایشان بر این باور است که هیچ‌کس نمی‌تواند در جامعه محروم از آزادی خدمت کند. ایشان آزادی را برترین سازوکار فعال کردن همه توانایی‌ها و ظرفیت‌های انسانی می‌داند. آزادی یعنی به رسمیت شناختن کرامت انسان و خوش‌گمانی نسبت به انسان و نبود آزادی به معنای بدگمانی نسبت به انسان و کاستن از کرامت او می‌باشد (فرخیان، ۱۳۸۵: ۳۲۷). مراد امام موسی صدر از آزادی، آزادی مطلق و بی‌بندوبار نیست، بلکه

مراد آزادی است که در چارچوب خاصی قرار دارد. این نکته به طور صریح در بیانات ایشان اشاره شده است: «انسانی که به آنچه بر او واجب است یا بر عهده او گذاشته شده است، پایبند و متعهد نباشد، چه ارزشی دارد؟ اگر از این تعهد و پایبندی شانه خالی کنیم و اگر آزادی مطلق را آرمان خود قرار دهیم، چه کرده ایم؟ به افراد اجازه داده ایم از مسئولیت خود شانه خالی کنند و در زندگی خود فقط سربار زندگی اجتماعی و طفیلی آن باشند. بدین ترتیب، جامعه‌ای ناچیز و بی ارزش را پایه گذاری کرده ایم (فرخیان، ۱۳۸۵: ۱۵۲)

صدر معتقد بود زنان حضور و فعالیت داشته باشند اما نه با جلوه‌گری‌های زنانه و دلبرانه. او اندیشه و شخصیت والای زن را برای جامعه می‌خواست و ضروری می‌دانست. پس توصیه می‌کرد که از خانه قدم به دنیای بیرون بگذارید درحالی که زنانگی تان پشت در جامانده است، تا انسانی در جمع حضور یافته باشد و اندیشه و گفتار و رفتار او مورد توجه و احترام قرار بگیرد نه جلوه‌های زیبای جسم و زنانگی‌اش. جمع و جماعت را همان‌طور که آیین آسمانی به آن توصیه کرده است، می‌دید و از باهم ساختن، باهم فکر کردن و باهم پیش رفتن می‌گفت و «تنهایی» را تنها در لحظات نجوا با معبود مطلوب می‌دید. او انسان را برای همین تفکر می‌خواست و رهبری می‌کرد، فرقی نداشت زن باشد یا مرد. زن را محدود و محصور به شرایط و قوانین از پیش تعیین شده نمی‌دید. زن را انسان والا و توانمندی می‌دید که باید در دو عرصه حضوری فعال داشته باشد، در کانون خانه و در بیرون از آن. هرگز نگفت که زنان در پس پرده‌ها بنشینند و تنها کودک پروری و خانه‌داری کنند. به‌خوبی می‌دانست که زن وظیفه مهم تربیت و پرورش فرزند را در پرتو آگاهی و حضور است که به بهترین شیوه انجام می‌دهد. او از ساختن انسانی سالم و شاد و آرام و پیشرو برای جامعه حرف می‌زد و این میسر نیست، جز آنکه پرورش‌دهنده چنین انسانی جامعه و باهم بودن را بشناسد و به‌خوبی لمس کرده باشد. صدر معتقد بود اصل این است که زن، این آفریده زیبای خداوند به‌خوبی محافظت شود تا روح لطیفش آسیب نبیند. چراکه آسیب و رنجش او برابر با آسیب فرزند و خانواده‌ای که می‌پروراند و درنهایت، آسیب جمع و جماعتی که از این فرزندان شکل می‌گیرد و ساخته می‌شود. مطابق گفتار آسمانی خالق آدمی که به زنان می‌گوید: «وقتی بیرون می‌آید زنانگی تان را بروز ندهید و برانگیزاننده حرف نزید که اگر این گونه باشید، اولین چیزی که مردان در شما می‌بینند زنانگی است و سایر توانمندی‌هایتان پنهان می‌شود» به پوشش و حجاب و عفت توصیه می‌کرد و معتقد بود که این حجاب قالب و ظاهر است و باطن آنکه مهم‌تر است، عفت و

حیاست که اصلی فرهنگی در تمام فرهنگ‌هاست. و این گونه بود که پوشش را دست و پاگیر نمی‌دانست چرا که آن را وسیله‌ای برای بروز توانمندی‌های ارزشی زنان در جامعه می‌شناخت. تبارشناسی زن در منظومه فکری امام خمینی و امام موسی صدر را می‌توان از چند منبع اصلی استخراج کرد.



۱-۳-۱. جایگاه و هویت زن: امام موسی صدر معتقد است دیدگاه قرآن درباره زن با همه آرای فلسفی و مذهبی و عادات پیش و زمان نزول آن، و نیز آراء و عادت متأخر اختلاف دارد. قرآن حقیقت و ذات زن را مانند مرد می‌داند: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا». پس از این، می‌گوید که زن در تکوین طفل، مشارکت جوهری با مرد دارد و نه فقط ابزاری است برای تولیدمثل مردان و یا زمینه‌ای برای تولید فرزند او: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً». پیامبر به طور مشخص شاهد صدق این موضع قرآن است؛ زیرا که خداوند نسل پیامبر را از فاطمه قرار داد. نیز پاسخ کسی را که پس از فوت ابراهیم، پیامبر را ابتر می‌خواند، داد: «إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ. فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَرْ. أَنْ شَانِكَ هُوَ الْآبَتَرُ». قرآن در آیات بسیاری بر این مساوات تأکید و عبارت «بَعْضُهُمْ مِنْ بَعْضٍ» (همه از یکدیگرند) را تکرار می‌کند. افزون بر این، قوانینی برای احترام زن و جسم زن وضع می‌کند. (صدر، ۱۳۸۴: ۵۶)

۱-۳-۲. نقش مادری: امام موسی صدر در مورد نقش مادری زن بر این باور است که زن، بنا بر خصوصیات جسمی و روحی خود، شایستگی مادری و پرورش فرزندان را دارد. «آن الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا». این وظیفه، طبق حدیثی از پیامبر (ص)، مهم‌ترین بنا در ساختمان اسلام قلمداد شده است: «ما بُنِيَ فِي الْإِسْلَامِ بِنَاءٌ أَحَبُّ إِلَيَّ اللَّهُ مِنَ التَّزْوِيجِ». تأثیر این وظیفه کمتر از هیچ وظیفه حیاتی دیگر نیست؛ زیرا مادر، فرد را که به منزله قوام و استحکام جوامع است تربیت می‌کند. این وظیفه با روح زن تناسب دارد. اسلام نیز او را برای پرداختن به این وظیفه تشویق

می‌کند؛ بی‌آن‌که بخواهد این وظیفه را بر او تحمیل کند. بنا بر تفاسیلی که در کتب فقهی آمده است، ازدواج بر زن واجب نیست. همچنین، ادای این مهم نیز بر زن وجوب ندارد. سپس، اسلام می‌کوشد تا فضای مناسب را برای ادای مسئولیت زن ایجاد کند و این کار را با وجوب نفقه بر مرد صورت می‌دهد. در مقابل، بهره‌مرد را از میراث دو برابر قرار داده است، تا بدین‌وسیله عدالت محقق گردد و به تعبیر قرآن «مال دست‌به‌دست در میان توان‌گران نگردد». اسلام، بر این اساس و با این ویژگی و این روش، دیگر احکام خود را نیز بنیان نهاده و به قبول شهادت زن در چارچوب کار خود حکم مثبت داده است. (فرخیان، ۱۳۸۵: ۱۶۱)

۳-۳-۱. برتری مرد بر زن: در زمینه زندگی زناشویی و برای صیانت از زن و برای این‌که زندگی مشترک به بن‌بست نرسد و نیز برای آن‌که زن و مرد بتوانند به امور مربوط به زندگی مشترک خود به‌درستی بپردازند، امام موسی صدر معتقد است که خداوند به مرد، نسبت به همسرش، نه دیگر زنان، برتری داده و این برتری، پس‌از آن است که خداوند در آیه زیر تأکید فرموده است که حقوق و تکالیف زن همانند مرد است: «وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَلِلرِّجَالِ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ». کرده است: «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ». کسی که در قرآن تعمق می‌کند، درمی‌یابد که تفاوت‌هایی که قرآن میان مرد و زن قائل شده است، مساوات ذاتی میان آن دو را تحکیم می‌بخشد و توجهی عادلانه و یکسان به هر دو دارد. پس تفاوت در احکام و واجبات و حقوق، در بیشتر اوقات به تفاوت در توانایی‌ها و ویژگی‌ها و استعدادهای هریک از آنان بازمی‌گردد. (صدر، ۱۳۸۴: ۱۲۲)

۳-۳-۲. حجاب زن: امام موسی صدر بر این باور است که موضوع حجاب در اسلام، به‌منظور تحقیر زن یا حبس یا بزرگداشت و تمجید بیش‌ازحد او صورت نگرفته است؛ آن‌چنان‌که نزد برخی از ملل چنین دیدگاهی متعارف است، بلکه حجاب سلاح زن در جلوگیری از طغیان جنبه زنانگی اوست، تا مبادا این جنبه زن بر دیگر توانایی‌های او غلبه کند. این مقصود در آیات قرآنی، که زنان را از نرمش در سخن گفتن یا پای کوفتن به هنگام راه‌رفتن یا زینت‌نمایی بازمی‌دارد، به‌خوبی و روشنی آشکار است.

آیات قرآنی در این باره بسیار است که برخی از آن‌ها را در اینجا ذکر می‌کنیم: «فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ» و «وَلَا يَضْرِبَنَّ بِالرُّجُلِ هُنَّ لِعَلَّكُمْ مَّا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ» و «لَا تَبْرَجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ» و «وَلَا يُدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا». حقیقت این است که آشکار کردن زیبایی‌های زن به طغیان و سرکشی جنبه زنانگی بر وجود زن منجر می‌شود و زن را تنها به یک

تابلوی هنری بدل می‌سازد که این مسئله تحقیر زن و انکار استعداد و توانمندی‌های اوست و باعث از بین رفتن عمر و وقت و فرصت‌های گران‌بهای او می‌شود. خصوصاً این مسئله به محرومیت زن و جامعه از ایفای درست وظیفه مادری او می‌انجامد. این موارد مهم‌ترین مواضع اسلام درباره زن است و بر این اساس می‌توانیم سنت‌ها و عادات را بشناسیم و آن‌ها را از احکام دین باز بنماییم. همچنین، می‌توانیم روایاتی را که درباره وضع زن در مرحله تاریخی معین است، دریابیم.» (صدر، ۱۳۸۴: ۱۳۴)

آنچه گذشت، تنها گوشه‌ای کوچک بود از اندیشه امام موسی صدر درباره زنان؛ اندیشه‌ای که در سیره عملی و خانوادگی ایشان نیز به روشنی قابل ملاحظه است. نویسنده اندیشمند، سید عباس نورالدین نقل می‌کند: «روزی امام موسی صدر در یک کلیسا (یا دانشگاه) سخنرانی بسیار مؤثر و جذابی ایراد کرد و همه را مجذوب کرد. اواخر سخنرانی، خانمی جوان و زیبا که از توفیق عالمی مسلمان بسیار دلخور بود، به دوستانش گفت «من می‌دانم چطور حالش را بگیرم و ضایعش کنم» و بلافاصله پس از پایان سخنرانی، در حالی که همه را متوجه خود کرده بود، جلو رفت و دستش را به طرف ایشان دراز کرد ایشان دستش را طبق عادت روی سینه گذاشت، دختر هم که منتظر همین بود، پرسید: «می‌خواهید نجس نشوید؟» ایشان با زیرکی بلافاصله پاسخ دادند: «بل لا حافظ علی طهارتک»؛ بلکه برعکس؛ تو آن قدر با ارزش و پاک هستی که چنین تماس‌هایی حریم قدسی و زنانه تو را می‌آلاید. این جواب حکیمانه و عارفانه و عمیق و هوشمندانه، نه فقط توطئه او را خنثی کرد، بلکه کار برعکس شد و جمعیت مسیحی حاضر بیشتر به وجد آمدند و به ایشان ارادت بیشتری پیدا کردند.» (فرخیان، ۱۳۸۵: ۸۲)

۳-۵-۱. کار زن: امام موسی صدر معتقد است قرآن کریم برای احترام کار زن از نظر مادی، قوانینی وضع کرده است. مجبور کردن مرد و زن (حتی اگر شوهر زن باشد) به کاری و یا مانع آنان شدن در کاری و محدود کردن آزادی آنان و یا محروم کردن زن و مرد از حق الزحمه‌شان از محرمات کبیره است. نیز قرآن درباره احترام معنوی کار زن می‌گوید: «أَنَّى لَا أَضِيعُ عَمَلٌ مِّنْكُمْ مَّنْ ذَكَرَ أَوْ أُنْثَى» و در خصوص احترام سیاسی کار آورده است: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يُبَايِعْنَكَ عَلَىٰ أَنْ لَا يُشْرِكْنَ بِاللَّهِ شَيْئًا وَلَا يَسْرِقْنَ وَلَا يَزْنِينَ وَلَا يَقْتُلْنَ أَوْلَادَهُنَّ وَلَا يَأْتِينَ بِبُهْتَانٍ يَفْتَرِينَهُ بَيْنَ أَيْدِيهِنَّ وَأَرْجُلِهِنَّ وَلَا يَعْصِيَنَّكَ فِي مَعْرُوفٍ فَبَايِعُهُنَّ وَاسْتَغْفِرْ لَهُنَّ.»

قرآن احترام خود را نسبت به قرابت زنان و حق آنان در میراث ذکر می‌کند: «لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ مِمَّا قَلَّ مِنْهُ أَوْ كَثُرَ

نَصِيًّا مَّفْرُوضًا. و سرانجام، به همه حقوق زن در همه امور زندگی اذعان می‌کند: «وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ».

در هیچ‌یک از آیات قرآن نمی‌بینیم که زن از تصرف در اموالش منع شده باشد، حتی پس از ازدواج. در دنیای معاصر و در کشورهای متمدن، همچنان قوانینی وجود دارد که پس از ازدواج زن را از دارایی‌هایش محروم می‌کند. در قرآن هیچ‌وقت اجازه داده نشده است که ازدواج بدون رضایت زن بر او تحمیل شود و حق اجازه پدر درباره ازدواج دختر جنبه مشاوره دارد و نمی‌تواند ازدواجی را بر او تحمیل کند، و اگر پدر دختر را با وجود مصلحت و شایستگی از ازدواج منع کند، حق مشاوره او ساقط می‌شود. آیاتی که در بیان احکام یا قانون‌گذاری یا پند و اندرزها، زن را به مرد ملحق می‌سازد، فراوان است؛ بدون آن که مقام زن را تنزل دهد یا او را تحقیر کند و شأن او را کمتر از مرد بداند: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ اُنْتَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُم بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (فرخیان، ۱۳۸۵: ۶۸).

۴. امام خمینی

۴-۱. زن در اندیشه و نهضت امام خمینی (ره)

در حالی که بسیاری از روشنفکران وابسته و متأثر از اصلاحات پهلوی دوم، تنها راه ارتقای جامعه ایران را در پیروی از روش غرب می‌دیدند، جمعی از اصلاح‌گرایان دینی می‌کوشیدند که تبیینی نوین از آموزه‌های اسلامی ارائه دهند. چهره شاخص این افراد حضرت امام خمینی (ره) بود که دین‌مداری، محور اندیشه ایشان را تشکیل می‌داد که آکنده از عقلانیتی بود که در جای‌جای اندیشه‌های وی حضور داشت. توجه ویژه آن حضرت به اوضاع و شرایط مکانی - زمانی است که دین‌مداری در اندیشه آن بزرگوار را در تقابل آشکار با دین‌مداری جمودگرایانه قرار می‌داد که بسیاری از هم‌ردیفان وی متأثر از آن، تحولات زمان و مکان را درک نمی‌کردند و بر مواضع ثابت خود اصرار و پافشاری داشتند. واضح است که عقلانیت ابزاری هم در اندیشه ایشان نمی‌توانست جایی داشته باشد؛ عقلانیتی که بدون توجه به جنبه‌های معنوی انسان و کرامت و شرافت او، تنها معیارهای مادی را مبنای اندیشه و عمل قرار می‌دهد (بستان، ۱۳۸۱: ۱۵۶).

به‌رغم مخالفت آشکار با حضور زنان در عرصه عمومی، در اوایل پیروزی انقلاب اسلامی آنگاه که به امام پیشنهاد شد که از ادامه فعالیت شغلی بانوان جلوگیری کنند، ایشان نه تنها این امر را به دلیل عدم تناسب با شرایط خاص زمانی مردود دانست (ستوده، ۱۳۸۰: ج ۱، ۱۷۴)، بلکه

چنان بحث حقوق اجتماعی و سیاسی زنان را پی گرفت که تقریباً در بین علمای اسلام نظیر و ماندی برای آن نمی‌توان یافت. در اثبات اهتمام ایشان به پاسداشت مقام زن می‌فرماید: «در نظام اسلامی، زن همان حقوقی را دارد که مرد دارد. حق تحصیل، حق کار، حق مالکیت، حق رأی دادن، حق رأی گرفتن، در تمامی جهاتی که مرد حق دارد، زن هم حق دارد» (خمینی، ۱۳۷۷: ۶۰). اعتقاد راسخ حضرت امام به مسئولیت مشترک زن و مرد در حوزه عمل، در این گفتار به‌خوبی مشهود است. مقوله حضور اجتماعی در نمودهای مختلف آن از جمله کوشش برای ارتقاء فرهنگ، تلاش به‌منظور گسترش سطح سواد و آموزش و حتی حضور در عرصه مدیریت کلان سیاسی با حفظ و رعایت ملاحظات شرعی نمی‌تواند به یک قشر یا جنس محدود و منحصر گردد. زنان نیز در کنار مردان نه تنها حق برخورداری از چنین جلوه‌هایی از حضور را دارند، بلکه در برخی مقاطع حتی این حضور جنبه تکلیف دینی و اجتماعی نیز به خود می‌گیرد.

از اقدامات حضرت امام در راستای احیای کرامت انسانی زن تلاش ایشان در مقام یک مرجع بزرگ دینی برای به صحنه کشاندن زنان و رهایی از قیدوبندهای خرافه‌ای و محرومیت‌های گاه خودساخته زنان و جامعه است. تحقق این مهم (حضور مشروع زنان)، توطئه بدخواهانی را که از یک‌سو با استناد به موازین شرعی امکان بهره‌وری از توان سرشار زنان در جهت مخالفت با سیاست‌های انحرافی حکومت را از روحانیت سلب می‌نمودند و از طرف دیگر در برابر سقوط زنان به قعر انحطاط تمدن غربی دم بر نمی‌آوردند، خنثی می‌کرد. در دیدگاه امام خمینی (ره) تأکید امام بر عنصر تکلیف و وظیفه در حضور اجتماعی سیاسی زنان نه تنها مایه افتراق دیدگاه آن بزرگوار با نگرش‌های متداول دینی مبنی بر ضرورت حضور زن در عرصه خصوصی (خانواده) نگردید، بلکه تمایز آن با فلسفه‌های لیبرالیستی معاصر را نیز که داعیه حمایت از حقوق زنان و رها ساختن آنان از سلطه مردان را دارند، موجب شد. در این فلسفه‌ها، با تفکیک میان «هست» و «باید» بر یکسانی حقوق و آزادی‌های زنان تأکید می‌شود. مخالفت با تفکیک هست و باید به این معناست که تجویزهای اخلاقی، منشأ مستقلی از هست‌ها یا وضعیت‌های واقعی ندارند. بر اساس این تفکیک که به جد مورد حمایت فمینیست‌ها قرار دارد و «دیوید هیوم» طراح آن می‌باشد، تجویزهای اخلاقی را نمی‌توان به‌طور منطقی از گزاره‌های توصیفی استنتاج نمود؛ چه آنکه بنا به اعتقاد هیوم مدرک هست‌ها، عقل نظری و درک کننده بایدها، عقل عملی است و این دو از هم بیگانه هستند. فمینیست‌ها با استناد به این استدلال معتقدند تحمیل «باید»‌های مردانه بر «هست»‌های زنانه عملی غیرعقلانی است و باید

ملغی گردد و در نتیجه هیچ گونه محدودیتی را در برابر زنان در مقایسه با مردان بر نمی تابد و منزلت زن را آنگاه تحقق یافته می بینند که زنان در همه حوزه هایی که مردان حضور دارند، امکان فعالیت پیدا کنند.

گرچه ادعای فمینیست ها در راستای نادیده انگاشتن تفاوت های طبیعی میان انسان ها که زمینه ساز تفاوت عملکرد آنان در محیط اجتماعی است، به ظاهر با هدف پاسداشت مقام زن مطرح می گردد، اما به واقع با طرح ادعای تساوی طلبی، بیشترین لطمه را به جامعه انسانی و به ویژه خود زنان وارد می سازد. چه آنکه با طرح آزادی مطلق زن از تکالیفی که از جنسیت زنانه او ناشی می شود، وی را از حوزه انسانیت خارج ساخته و توهینی بزرگ در حق او روا می دارد و بدین گونه نظم نظام هستی را درهم می ریزد. آنان با تأکید بر برابری و به رسمیت نشناختن تفاوت ها مانع از آن می شوند که زن و مرد یکدیگر را با تفاوت های موجود بپذیرند و در نتیجه از توانمندی های طبیعی و ذاتی یکدیگر بهره مند شوند. آنچه مسلم است اینکه، زن و مرد به لحاظ تکوینی (یعنی از جهت زیستی، روانی و احساسات)، کاملاً از یکدیگر متمایز می باشند. به دلیل همین تفاوت های تکوینی، تشابه حقوقی آن ها امکان پذیر نیست.

۱-۴-۱. جایگاه و هویت زن

دین الهی کامل ترین قالبی است که آفریدگار انسان برای تحقق کامل مادی و معنوی انسان اعم از مرد و زن وضع کرده است و تنها دین می تواند به انسان شخصیت، اطمینان قلب و امید به آینده ببخشد؛ چنان که قادر است مشکلات اجتماعی انسان را حل کند. بر همین اساس امام خمینی می فرماید: «از برای زن ابعاد مختلفه است، چنان که برای مرد و برای انسان. این ورق صورت طبیعی نازل ترین مرتبه انسان است و نازل ترین مرتبه زن است و نازل ترین مرتبه مرد است؛ لکن از همین مرتبه نازل حرکت به سوی کمال است. انسان موجود متحرک است از مرتبه طبیعت تا مرتبه غیب تا فنا در الوهیت» (امام، ۱۳۸۵، ۳۳۷ - ۳۳۸).

نظرگاه خاص ایشان در مورد تساوی استعداد های زن و مرد در دستیابی به صفات فاضله و مقامات بلند معنوی است. بر اساس چنین دیدگاهی، تقسیم بندی انسان ها به دو دسته زن و مرد، مذکر و مؤنث نماینده نازل ترین و پست ترین نوع نگاه به جامعه بشری است. در مقابل، با یک نگاه ارزشی و اصول گرا انسان ها همه فرزندان آدم اند و بالقوه دارای شان خلیفه الهی و آنچه در این میان آنها را از هم متمایز می کند میزان تلاش، کوشش و مجاهدتی است که هر یک از آنها در راه بارور کردن استعداد های فطری و بالقوه و رسیدن به کمال مطلوب صرف می کنند؛ زیرا آنچه در رهگذر سیر و سلوک عرفانی، فلسفی و علمی نصیب انسان ها می شود بهره روح

است نه بهره جسم. چنان که هیچ کدام از اوصاف سعادت، شقاوت، فضیلت، رذیلت، حق، باطل و... بر بدن حمل نمی شود، بلکه محمل این صفات روح و جان انسان هاست. لذا از نظر حضرت امام خمینی، زن نیز در بُعد انسانیت و مراتب معنوی می تواند از همان مرتبه نازل وجودی خود به سوی مقصد کمال حرکت کند.

۲-۴-۱. نقش مادری: خانواده اولین هسته طبیعی و فراگیرترین واحد سازنده جامعه است و والدین نیز اولین معماران شخصیت کودک هستند که باید به این مسئولیت خود در قبال کودک و جامعه اهمیت به سزایی بدهند؛ زیرا تربیت صحیح از حقوق اولیه و اساسی فرزند است که بر عهده والدین می باشد. تأثیر محیط خانواده در روند رشد و تربیت به اندازه ای است که برخی ریشه شخصیت را از دوران کودکی و نوع روابط فرد با اعضای خانواده دانسته و برخی دیگر پا فراتر نهاده و از دید جامعه شناسی، خانواده را یکی از پنج عامل تکوین، رشد و یا انحطاط تمدن ها (قائمی، ۱۳۷۴) و یا معیار شناخت و سنجش آسیب های اجتماعی (ساروخانی، ۱۳۹۳: ۱۹۲) می دانند. امام (ره) نیز اولین محیط و محل شروع تربیت را خانواده و به خصوص دامن مادر معرفی می کند که در کنار پدر پایه ریز استقلال و آزادی و تعهد است (امام، ۱۳۸۵: ۲۴۵). و کودکی که به این شیوه خوب تربیت شود، جز با عوامل قوی قدم در بی راهه نمی گذارد (امام، ۱۳۸۵: ۳۶۳).

امام خمینی (ره) با در نظر گرفتن اولیت و اولویت مادر در تربیت کودک، اغلب خطابات خود را در مورد تربیت کودکان، متوجه مادران و بانوان نموده و فرموده اند: [بچه] در دامن مادر بهتر تربیت می شود، تا در جوار پدر (امام، ۱۳۸۵: ۲۹۴). عاطفه مادری سبب می شود وی بیش از دیگران به کودک خود توجه نماید؛ و نیز موقعیت زیستی روانی و همراهی دائمی مادر با کودک، نقش بالاتری نسبت به پدر که زمان کمتری با کودک می گذراند، دارد و کودک، او را به عنوان اولین و مطمئن ترین رهبر می پذیرد.

تأکید بر نقش مادر به منظور نفی نقش پدر و یا کم اهمیت جلوه دادن آن نیست؛ چرا که اسلام بار کلی صیانت از حریم خانواده و رشد دادن اعضای آن به سوی کمال را بر دوش مردان نهاده است. اما از جایگاه ارزشمند و تأثیرگذار مادر در این زمینه، نسبت به نقش پدر، نباید غافل شد؛ جایگاهی که نزد امام (ره) از شرافت بسیار بالایی برخوردار بود؛ آن چنان که زنان را در این شرافت جلوتر از مردان می دانستند (امام، ۱۳۸۵: ۲۸۳). و با الهام از آموزه های دینی در زمینه مقام و شأن مادر می فرمود: یک شب مادر نسبت به فرزندش از سال ها عمر پدر متعهد، ارزنده تر است. (تبیان، ۱۳۸۷) تربیت انسانی و اسلامی شاخص ترین و اصلی ترین وظیفه زنان در

کسوت مادری است؛ چرا که به عقیده امام (ره): شما [بانوان] مسئولید که در دامن های خودتان اولادهای متقی بار بیاورید، تربیت کنید، به جامعه تحویل بدهید.... (امام، ۱۳۸۵: ۵۰۴).

۳-۴-۱. برتری مرد بر زن: حضرت امام خمینی در مورد تساوی حقوق اجتماعی و سیاسی زنان و مردان می فرماید: «در نظام اسلامی زن همان حقوقی را دارد که مرد دارد: حق تحصیل، حق کار، حق مالکیت، حق رأی دادن، حق رأی گرفتن. در تمام جهاتی که مرد حق دارد، زن هم حق دارد. لکن در مرد هم مواردی است که چیزهایی به دلیل پیدایش مفسد بر او حرام است و هم در زن مواردی هست که به دلیل اینکه مفسده می آفریند حرام است. اسلام خواسته است که زن و مرد، حیثیت انسانی شان محفوظ باشد». (امام، ۱۳۸۵: ۲۱۶). از نظر ایشان نگرش به کیفیت دو جنس، یعنی هندسه قرار گرفتن دو جنس مقابل هم، نگرش غلطی است. نارسایی ها زیاد و مشکلات فراوان است» راه حل این است که ما سراغ راه حل الهی برویم و آن را پیدا کنیم.

۴-۴-۱. حجاب زن: در دوران حکومت پهلوی، همچون عصر جاهلیت، شخصیت زن در زیر چرخ های بی عدالتی و تبعیض خرد و زن، بازیچه ای در دست هوس بازان بود. از نظر شاه پهلوی، زن باید فریبا باشد. زن فریبا، نسخه بدلی از تصویر زن در جامعه غربی بود که در آن کرامت و شخصیت واقعی زن در مسلخ فلسفه مادی غرب، قربانی شده بود. امام خمینی هوشیارانه، نقش زن فریبا را در ابتدال جامعه و خودباختگی جوامع اسلامی درک نمود و در برابر این دسیسه چینی زیرکانه به احیای شخصیت زن مسلمان پرداخت و در چارچوب جهان بینی توحیدی و مقام انسانی زن که خلیفه الله و صاحب کرامت و معنویت است، جایگاه و نقش زن در اجتماع را تبیین نمود. با توجه به اهمیت حجاب در رشد کرامت زنان، حضرت امام، نهضت رضاخانی را که به تقلید از فرهنگ غرب در ایران اجرا شد، الگو برداری از پوشش زنان اروپایی و مایه ننگ کشوری اسلامی می دانست.

«اصل و اساس بر این بود که انحراف درست کنند. اساس بر اصلاحات نبود. اساس بر این بود که نگذارند یک مملکتی رشد بکند. لهذا از آن می فهمیم که آن کشف حجابی که رضاخان به تبع ترکیه به تبع غرب و مأموریتی که داشت، آن برخلاف مصلحت مملکت ما بود. و ما دیدیم که عضو فعالی که کار از او برمی آید شماها بودید. با همین وضعی که الان این جور حضور دارید، با همین وضع به خیابان ها ریختید و به نهضت کمک کردید.» (امام، ۱۳۸۵: ۳۳۳). امام، زن را نه مظهر فریب و بازیچگی، که مبدأ خیرات و سعادت می دانست و می خواست از وجود زن در ارتقا و تعالی جامعه استفاده کند، او را موجودی بس با کرامت و عظمت می دید

که سعادت و شقاوت جامعه تا حد زیادی به دست اوست. امام خمینی حجاب را موجب حفظ شخصیت زن، پیشرفت جامعه و دور ماندن آن از ابتذال می‌داند و بر این باور است که با حفظ حجاب ارزش‌های والای انسانی محفوظ می‌ماند و معیارهای معنوی در جامعه سیر صعودی به خود می‌گیرد. امام خمینی می‌فرماید:

«امروز باید خانم‌ها به وظایف اجتماعی و دینی خودشان عمل کنند و عفت عمومی را حفظ بکنند و روی آن عفت عمومی کارهای اجتماعی و سیاسی را انجام بدهند.» (امام، ۱۳۸۵: ۱۹۳-۱۹۲).

تأکید حضرت امام بر حجاب بیانگر روشن‌بینی ایشان در لزوم نگاهبانی ارزش‌های اسلامی و جلوگیری از مفاسد ناشی از رعایت نکردن حجاب است. ایشان نه فقط حجاب را مانع کسب علوم، فضایل و فرهنگ نمی‌دانست، بلکه آن را موجب تقویت حریم عفاف، تحکیم ارزش‌های انسانی، پالایش روح و عامل استحکام خانواده می‌شمرد.

۵-۴-۱. کار زن: اشتغال زنان بیش از همه بر خانواده اثر می‌گذارد و روابط زن و شوهر و فرزندان را دگرگون می‌سازد و این امر همواره مورد توجه صاحب‌نظرانی که اشتغال زن را از دیدگاه جامعه‌شناسی بررسی نموده‌اند، قرار داشته است. در اغلب شهرهای بزرگ ایران، همگام با دسترسی بیشتر زنان به سازمان‌های آموزشی (مدارس و دانشگاه‌ها) گرایش آنان به اشتغال چشمگیر بوده است. اما به رغم مطرح شدن این مقوله در میان برخی از گروه‌ها، شرایط اجتماعی-فرهنگی جامعه در بسیاری از موارد، برای این فرآیند آماده نبوده است. اشتغال زنان از سویی، مسائلی حاد در زندگی زناشویی به وجود آورد و از سویی دیگر اختلاف عقیده را میان توده‌های مختلف مردم موجب شد. امام خمینی (ره) بر این اساس می‌فرماید «ما مفتخریم که بانوان و زنان پیر و جوان و خرد و کلان در صحنه‌های فرهنگی و اقتصادی و نظامی حاضر و همدوش مردان یا بهتر از آنان در راه تعالی اسلام و مقاصد قرآن کریم فعالیت دارند» (امام خمینی، ۱۳۷۶). همان‌طور که قرآن می‌فرماید «یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکر و انثی و جعلناکم شعوبا و قبائل لتعارفوا اکرمکم عندالله اتقیکم ان الله علیم خبیر» (حجرات/ ۱۳).

توجه و دقت در آیه فوق بیانگر این مطلب است که تفاوتی بین زن و مرد نبوده، ملاک برتری در اسلام تقوی است. بنابراین در کلیه فعالیت‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و ... زنان نیز مانند مردان مسئول‌اند و باید نقش مثبت خود را ایفا کنند. زنان که نیمی از افراد جامعه بشری‌اند دوشادوش مردان و در بعضی موارد حتی بیشتر از آنان در فعالیت‌های مختلف مشارکت دارند، اما مشارکت و سهم آنان نادیده گرفته شده است، زیرا از یک سو دارای

مسئولیت خطیر و سنگین مادری و همسری هستند و رسالت خطیر و ارزشمندی را در این خصوص دارند و از سوی دیگر عناصر اجتماعی فوق‌العاده مؤثر و نقش‌آفرینی هستند، چنان‌که حضرت امام خمینی(ره) در این باره می‌گویند: «زن نقش بزرگی در اجتماع دارد، زن مظهر تحقق آمال بشر است. یا: «عنایتی که اسلام به زنان دارد بیشتر از عنایتی است که به مردان دارد. در این نهضت زنان حق بیشتری از مردان دارند. زنان مردان شجاع را در دامن خود بزرگ می‌کنند. قرآن کریم انسان‌ساز است و زنان نیز انسان‌ساز، اگر زنان شجاع و انسان‌ساز از ملت‌ها گرفته شوند ملت‌ها به شکست و انحطاط کشیده می‌شوند قوانین اسلام همه به صلاح زن و مرد است. زن باید در مقدرات اساسی مملکت دخالت کند».

۵. تحلیل یافته‌ها مبتنی بر فقه سیاسی و پویای تشیع

فقه سیاسی و پویای تشیع و روحانیت را می‌توان فصل مشترک و تحلیل‌گر اندیشه امام خمینی و امام موسی صدر در مباحث سیاسی - اجتماعی به ویژه موضوع زنان دانست. نظام پهلوی، پس از استفاده ابزاری از اسلام جهت تثبیت قدرت خود، مبارزه شدیدی را علیه روحانیت سامان داد. رضاشاه نه تنها روحانی‌زدایی در بخش‌های فرهنگی و قضایی دولت را در پیش گرفت، بلکه سیاست نابودی کیان روحانیت به عنوان یک قشر اجتماعی را اتخاذ کرد. مشابه همین سیاست در عصر محمدرضا پهلوی تداوم یافت و سکولاریسم پارادایم حاکم بر جامعه شد. در چنین شرایطی، روحانیت از قدرت سیاسی حاکم فاصله گرفت؛ اما با ظهور امام خمینی و امام موسی صدر در میان روحانیت، نقطه عطفی در سیر این تحول ایجاد شد. امام خمینی و امام موسی صدر که علاوه بر اقتدار کاریزماتیک شخصی، از اقتدار کاریزماتیک نهادی نیز برخوردار بودند، ابتدا با یک «انقلاب علمی» پارادایم سکولار حاکم بر جامعه را در هم شکسته و با کمک روحانیون انقلابی پارادایم جایگزین خود را تحت عنوان «آمیختگی دین و سیاست» جا انداختند. ایشان با رد هرگونه دوآلیسم مذهب و سیاست در اسلام، شرایط در حوزه‌های علمیه و اجتماع مؤمنان و مسلمانان را به گونه‌ای متحول ساختند که نه تنها خوف ورود به سیاست در برخی از روحانیان و مومنان ریخته شد، بلکه در پارادایم جدید ورود به سیاست یک «تکلیف» محسوب گردید.

در شرایطی که ایدئولوژی‌ها و اندیشه‌های وارداتی غربی، اسلام را مایه عقب‌ماندگی و فاقد برنامه مشخص برای زندگی سیاسی، اجتماعی به ویژه در حوزه زنان می‌دانستند، فقه سیاسی تشیع به رهبری امام خمینی و امام موسی صدر، ضمن نفی اتهام مزبور، علل عقب‌ماندگی را نه در پیروی از ارزش‌های فرهنگی اسلام، بلکه در عمل نکردن به آنها

می‌دانستند. دیدگاه‌های غربی این باور را ایجاد کرده بودند که مذهب از سیاست جدا و ارتباطی به مسائل سیاسی-اجتماعی ندارد همچنین جامعه مطلوبی که اسلام درصدد برپایی آن بود را متعلق به چهارده قرن قبل می‌دانستند که که امکان پیاده سازی احکام آن را به ویژه در حوزه زنان در جوامع پیشرفته امروزی عملی ندانسته و بر این عقیده بودند که نگرش اسلامی توانایی پاسخگویی به مسائل پیچیده امروزی را دارا نمی‌باشد. اما عالمان بزرگ تشیع همچون امام خمینی و امام موسی صدر با تکیه بر اصول اسلامی و عقلانیت این نگرش غربی را رد و بر اساس آموزه‌های فقه سیاسی و پویای تشیع این نگرش را که اسلام می‌تواند به‌عنوان ایدئولوژی انقلاب و در جهت دگرگونی ارزش‌های حاکم مورد استفاده قرار گیرد را توسعه داده و برقرار گردانیدند. (محمدی: ۱۳۷۰)

فقه سیاسی شیعه در دو‌یست‌ساله اخیر بیش از گذشته خود تحرک علمی و عملی داشته است. رساله‌های جهادیه عالمان شیعی و مباحث نظری فقیهان از صدر مشروطه تا پس از انقلاب اسلامی ابعاد و زوایای وسیعی از فقه سیاسی شیعه را برای پاسخ‌گویی به شرایط اجتماعی مختلف روشن کرده است. فقه سیاسی شیعه از یک‌سوی در اثر تعامل فعالی که با محیط فرهنگی خود داشته، طی قرن گذشته، دو انقلاب عظیم مردمی را به دنبال داشته است: یکی انقلاب مشروطه در آغاز قرن بیستم و دیگری انقلاب اسلامی در پایان همان قرن. بر این اساس از دل فقه شیعه، تئوری جنبش تشیع و انقلاب اسلامی بیرون آمد، چراکه فقه شیعه، فقه حکومت ساز، فقه میدان‌داری، فقه انقلابی، فقه حضور در صحنه و فقه پویا برای پاسخگویی و مدیریت نیازهای زنان و مردان جامعه است. از سوی دیگر تعامل فقه سیاسی با محیط اجتماعی و ارتباط نزدیک این دانش با رفتارها و کنش‌های سیاسی موجب شده تا بیش از دیگر حوزه‌های معرفتی در نحوه تبویب، ترتیب، فصل‌بندی و ارائه مطالب خود از محیط اجتماعی و حوادث واقعه چون انقلاب اسلامی تأثیر پذیرد و نقش و جایگاه زنان را بر همین اساس تحلیل و ارتقاء بخشد.

فقه سیاسی تشیع علاوه بر باور به معارف و عقائدی خاص، انجام مقررات و قوانینی را در حوزه فردی و اجتماعی به ویژه برای زنان فرض کرده و سعادت افراد را در گروی انجام این فرایض قرار داده است. این مقررات که حوزه‌ای فراگیر چون احوالات شخصی، عبادات، سیاست، اقتصاد، فرهنگ، امورات قضائی و مدنی، نظامی و انتظامی و خانوادگی را در بر دارد، مسلمانان را به این امر واداشت که به درک این آموزه‌ها و معارف از متن کتاب و سنت مبادرت ورزند و چون این کار برای همگان، امکان‌پذیر نبود، لذا گروهی به این کار همت گمارده و مرجع مؤمنان در این مسئله قرار گرفتند. این امر به تأسیس دانشی به نام فقه انجامید (مطهری، ۱۳۷۲: ۱۶۹-۱۶۸) و متصدیان این دانش به نام فقیهان شهرت یافتند. فقه سیاسی عبارت است از تمامی پاسخ‌هایی که به سؤال‌های سیاسی عصر و زمان می‌دهد، فقه سیاسی شامل نظام سیاسی، فلسفه سیاسی و اندیشه سیاسی می‌شود، یعنی همه این مفاهیم در تعریف فقه سیاسی گنجانده شده است. (عمید زنجانی، ج ۴۱: ۱۳۶۷، ۱). اشتراکات نگرش اسلامی - عقلانی به زن بر پایه فقه سیاسی و پویای شیعه در اندیشه امام موسی صدر و امام خمینی در جدول زیر قابل مشاهده است.

ردیف	اشتراکات در نگرش امام خمینی و امام موسی صدر به نقش و جایگاه زن
۱	مفارقة زنان در فعالیت‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی
۲	نگرش به زن بر پایه اصول و عقاید اسلامی
۳	نگرش به زن بر پایه اصول و عقاید غربی
۴	نگاه تکلیفی گریز به سرپرست و زندگی زن
۵	رهایت عسلی حقیقی یا اقلید و تقسیم و رعی تطبیق‌دهی
۶	پویایی یک بین زن و مرد
۷	احیای سعادت و جایگاه زن در نگرش اسلامی و غربی
۸	احیای جایگاه زن در رشد و توسعه جامعه در نگرش اسلامی
۹	عدم جدایی کامل حضور آیین و نهاد در تمام امور جامعه و فراموشی نگاه با توجه به معنوی و جسمانی به زن
۱۰	تعیین آرمان روحی و معنوی زن و سعادت و سعادت کامل جامعه با توجه به نگاه اخلاقی، عقلی، جسمی و روحی و گاهی جسمی و روحی و عدم سلامت و سعادت کامل جامعه با توجه به نگرش معنوی و جسمی

نتیجه گیری

نگرش امام خمینی و امام موسی صدر به زنان رویکردی بر مبنای تکامل گرایی زنان است که نگرش های پیشین را افراط گرا یا تفریط گرایانه دانسته و با موازین شرع و فرهنگ حاکم بر جامعه اسلامی ناسازگار می بیند و معتقد است که سعادت جامعه انسانی در پرتو توازن میان زن و مرد و قرار گرفتن هر یک در جایگاه مناسب خود، تأمین می شود، نه در تقابل که سنت گرایان گفته اند و نه در تشابهی که جهان غرب بر آن تأکید دارد. بر اساس این رویکرد که بیانگر نگرش اسلام نسبت به زن است، زنان مانند مردان در عرصه اجتماعی پایگاه و موقعیت مناسب دارند و مسئولیت های اجتماعی متعددی به طور یکسان متوجه زن و مرد می باشد. از این منظر، زن مانند مرد رسالت الهی و انسانی دارد، افق اندیشه و حساسیت زن نباید در خانه محصور بماند، بلکه فراتر رود و نگرش اجتماعی و وسیع تری داشته و نسبت به سرنوشت احساس مسئولیت کند. واقع این است که هیچ مکتبی به اندازه اسلام نسبت به هویت واقعی زن و تغییر نگرش جاهلی (قدیم و جدید) درباره وی و ارائه قوانین کامل، عنایت ندارد. از نگاه اسلام نادیده گرفتن مجموعه عظیم انسانی که در ترقی و انحطاط جامعه نقش دارد، نه با واقعیت عینی بشر سازگار است و نه توجیه عقلانی و شرعی دارد. چنانکه رویکرد رادیکال غرب را نیز نمی پذیرد، چون اصل یکسانی و برابری زن و مرد در غرب تجربه شد و تساوی بین آن دو عملاً پاسخ مطلوب نداد. مهم ترین بن بست جهان سرمایه داری غرب بحران هویتی است که زنان دچار آن شده اند. در نظام سرمایه داری غرب، زن ابزار توسعه اقتصادی و جذب سرمایه می باشد نه انسانی که خواهان کمال و سعادت است. به گفته ویل دورانت (۱۳۷۳): «زن اروپایی در غفلت تفکر و تمدن جدید به بند کشیده شد که نتوانست درک کند عامل پیشرفت های اقتصادی یا سودآوری هرچه بیشتر صاحبان ثروت های انبوه گردیده، بدون آنکه در آن سود سهیم باشد».

منابع و مأخذ:

قرآن کریم

- آبراهامیان، یرواند (۱۳۷۷) **ایران بین دو انقلاب**، ترجمه احمد گل محمدی و محمدابراهیم فتحی، تهران: نشر نی.
- بابازاده، علی اکبر (۱۳۷۵). **مسائل ازدواج و حقوق خانواده**، دفتر تحقیقات و انتشارات بدر.
- بستان، حسین (۱۳۸۱). مشارکت سیاسی - اجتماعی بانوان از دیدگاه امام خمینی (ره)، در **مجموعه مقالات تبیین اندیشه‌های سیاسی - اجتماعی امام خمینی**، قم، نشر معارف.
- پهلوی، محمدرضا (۱۳۴۵). **انقلاب سفید**، تهران: انتشارات بانک شاهنشاهی.
- تبیان، (۱۳۷۸). دفتر هشتم، **بررسی نقش و جایگاه زن در اندیشه امام خمینی**، تهران: مؤسسه نشر و تنظیم آثار امام.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۸). **زن در آیینه جلال و جمال**، تهران: نشر اسرا.
- خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۷۶). **کلمات قصار**، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام.
- خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۷۷). **جایگاه زن در اندیشه امام خمینی (ره)**، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۷۸)، **تعلیم و تربیت در اندیشه امام خمینی**؛ تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).
- خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۸۰). **صحیفه نور**، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۸۵)، **صحیفه امام**، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).
- دورانت، ویلیام جیمز (۱۳۷۳). **تاریخ تمدن**، ترجمه احمد آرام، تهران، نشر اقبال.
- وازانی، ابوتراب (۱۳۵۰). **زن در دوران شاهنشاهی در ایران**، تهران: مدرسه عالی دختران ایران.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۰). «اثرات اشتغال زنان بر خانواده (تحقیقی در بین زنان شاغل و متأهل وزارت کار و امور اجتماعی)» **مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران**، دوره ۲، ش ۱، پیاپی ۵.
- ساروخانی، باقر (۱۳۹۳). **مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده**، تهران، صداسیمای جمهوری اسلامی ایران (سروش).
- ستوده، امیررضا (۱۳۸۱). **پا به پای آفتاب**، تهران، نشر پنجره.
- صدر، موسی، (۱۳۸۴). **ادیان در خدمت انسان، ترجمه موسی ستوده فرهنگی تحقیقاتی صدر**، تهران، امام موسی صدر.
- طاهری، منیره (۱۳۸۲). «احقاق حقوق زن، کنوانسیون یا اسلام»، فصلنامه **کتاب نقد**، ش ۲۶.
- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۶۷). **فقه سیاسی**، ج ۲، تهران: امیرکبیر.
- فالاجی، اوریانا (1357) **مصاحبه با تاریخ سازان**، ترجمه پیروز ملکی، تهران: امیرکبیر.
- فرخیان، مهدی، (۱۳۸۵). **اندیشه رپوده‌شده، گفتارهایی درباره امام موسی صدر**، تهران، امام موسی صدر.
- فریحی، داوود (۱۳۷۸). **قدرت، دانش و مشروعیت در اسلام**، تهران: نشر نی.
- قائمی، علی (۱۳۷۴). **تربیت و بازسازی کودکان**، تهران، نشر امیری.
- کسروی، احمد (۱۳۵۲). **خواهران و دختران ما**، تهران: نشر و پخش کتاب.
- گولد، جولیس؛ ویلیام، کولب (۱۳۷۶). **فرهنگ علوم اجتماعی**، تهران: مازیار.
- محمدی، منوچهر (۱۳۸۰). **انقلاب اسلامی، زمینه‌ها و پیامدها**، قم، دفتر نشر معارف، چاپ دوم.
- مصباح، محمدتقی (۱۳۴۳). **زن نیمی از پیکر اجتماع**، قم: انتشارات آزادی قم.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۱). **نظام حقوق زن در اسلام**، تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۲). **تکامل اجتماعی انسان**، تهران: انتشارات صدرا.